

از شخصیت فاطمه سخن گفتن بسیار دشوار است. فاطمه یک زن بود ،
آنچنان که اسلام می خواهد که زن باشد. تصویر سیمای او را پیامبر ، خود
رسم کرده بود و او را در کوره های سختی و فقر و مبارزه و آموزش های
عمیق و شگفت انسانی خویش پرورده و ناب ساخته بود.

وی در همه ابعاد گوناگون «زن بودن» نمونه شده بود.

مظهر یک دختر در برابر پدرش

مظهر یک همسر در برابر شویش

مظهر یک مادر در برابر فرزندانش

مظهر یک زن مبارز و مسئول در برابر زمانش و سرنوشت جامعه اش

وی خود یک امام است. یعنی یک نمونه مثالی ، یک تیپ ایده آل برای
زن ، یک اسوه ، یک شاهد برای هر زنی که می خواهد شدن خویش را
خود انتخاب کند. او با طفولیت شگفتش ، با مبارزه مدامش در دو جبهه
داخلی و خارجی ، در خانه پدرش ، خانه همسرش ، در جامعه اش ، در
اندیشه و رفتار و زندگی اش ، چگونه بودن را به زن پاسخ می داد.



میلاد بانوی دو عالم
خجسته مبارک



و من خواستم با چنین شیوه ای از فاطمه بگویم،
باز درماندم :

- خواستم بگویم
- فاطمه دختر خدیجه بزرگ است
- دیدم که فاطمه نیست.
- خواستم بگویم
- فاطمه دختر محمد (ص) است
- دیدم که فاطمه نیست.
- خواستم بگویم
- فاطمه همسر علی (ع) است
- دیدم که فاطمه نیست.
- خواستم بگویم
- فاطمه مادر حسین است
- دیدم که فاطمه نیست.
- خواستم بگویم
- فاطمه مادر زینب است
- باز دیدم که فاطمه نیست.

نه ، اینها همه هست و این همه فاطمه نیست.

فاطمه ، فاطمه است.

تهیه کننده: صدیقه شیرزادی
دوم ریاضی متوسطه دوم
فرزندگان شهرکرد



تمی دانم از او چه بگویم ؟ چگونه بگویم ؟ خواستم از یوسونه تقلید کنم ، خطیب نامور قرآنسه که روزی در مجلسی با حضور لویی ، از مریم سخن می گفت . گفت هزار و هفتصد سال است که همه سخنوران عالم درباره مریم ، داد سخن داده اند . هزار و هفتصد سال است که همه فیلسوفان و متفکران ملت ها در شرق و غرب ، ارزش های مریم را بیان کرده اند . هزار و هفتصد سال است که شاعران جهان در ستایش مریم همه ذوق و قدرت خلاقه شان را بکار گرفته اند . هزار و هفتصد سال است که همه هنرمندان ، چهره نگاران و بیکره سازان بشر ، در نشان دادن سجا و حالات مریم هنرمندی های اعجاز گر کرده اند . اما مجموعه گفته ها و اندیشه ها و کوشش ها و هنرمندی های همه در طول این قرن های بسیار ، به اندازه این کلمه نتوانسته اند عظمت های مریم را بازگویند که :
«مریم مادر عیسی است»

